

جایگاه اندیشه سیدقطب در میان نیروهای مبارز مذهبی در ایران پیش از انقلاب

محمدعلی همتی^۱
سیدمحمدعلی تقوی^۲
مرتضی منشادی^۳

چکیده

سید قطب، نظریه‌پرداز بزرگ اخوان المسلمین، از جمله اندیشمندان است که نمی‌توان تأثیر اندیشه‌های او بر زمانه‌اش را نادیده انگاشت. سید قطب را می‌توان پیوند دهنده نسل اول و نسل‌های بعدی اخوان دانست. افکار و شیوه زندگی و مبارزات او برای نسل‌های بعدی الگوی ایستادگی و خستگی‌ناپذیری بوده است. از سوی دیگر، نیروهای مبارز مذهبی در ایران نیز در تلاش برای رسیدن به اهداف اسلامی-انقلابی خود، مسیر دشوار و پرفراز و نشیبی را پیمودند. تشابه برخی افکار و مشابهت مسیر میان سید قطب و نیروهای اسلام‌گرای انقلابی ایران، موضوعی قابل تأمل است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که اندیشه‌های سیدقطب از چه جایگاهی در میان نیروهای مذهبی انقلابی در ایران در دوران پیش از انقلاب اسلامی برخوردار بوده است؟ ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم شخصی و دسترسی به آثار سید قطب و ترجمه آن در ایران راه را برای ورود اندیشه‌های این متفکر به ایران گشود و برای آن جایگاه ویژه‌ای در ادبیات نیروهای مذهبی فراهم آورد که نمود آن را می‌توان در مقدمه مترجمان آثار سیدقطب، نقد اندیشه‌های او و بیان احساس نیاز به اندیشه‌های وی مشاهده نمود.

کلیدواژه‌ها: سید قطب، روحانیون انقلابی ایران، ابزارهای ارتباطی، نیروهای مبارز مذهبی

-
- ۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
Email: alihemati33@yahoo.com
- ۲- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
Email: smataghavi@um.ac.ir
- ۳- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
Email: manshadi@um.ac.ir
- تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۲ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۱

مقدمه

در جهان اسلام اندیشمندانی را می‌توان یافت که بر حرکت‌های اسلامی از گذشته تا به امروز، تأثیر آشکاری داشته‌اند. در این شمار، کسانی همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، حسن‌البناء و ابوالاعلی مودودی را می‌توان نام برد. در کنار این شخصیت‌ها، فردی که نمی‌توان نقش او را در الهام بخشیدن به حرکت‌های اسلامی نادیده انگاشت، سید قطب، نظریه‌پرداز برجسته اخوان‌المسلمین است. سیدقطب در دوران زندگی خود، در کنار مبارزه با رژیم‌های سلطنتی و ملی‌گرای حاکم بر مصر، با نگارش کتاب‌هایی در عمق بخشیدن به ایدئولوژی اسلامی قدم برداشت. اثربخشی این کتاب‌ها در مصر به حدی بود که حتی تعدادی از نظامیان وابسته به تشکیلات «افسران آزاد» به ریاست جمال عبدالناصر، درخواست کردند تا مقالات سیدقطب را مطالعه کنند و با استفاده از آراء وی بر توانمندی فکری و فرهنگی خود بیفزایند (خالدی، ۱۳۸۰: ۳۷۹). به گفته سید قطب، تأثیر کتاب‌هایش بر اخوان‌المسلمین باعث شد تا اهمیت خاصی برای او قائل شوند (حموده، ۱۳۸۶: ۹۶) و به نظر زینب الغزالی یکی از اعضای برجسته اخوان‌المسلمین، دلیل اعدام سید قطب به خاطر نگارش کتاب *معالم فی الطریق* بود (کویل، ۱۳۶۶: ۴۱).

در دورانی که نزاع بین نیروهای اخوان‌المسلمین و رژیم جمال عبدالناصر شدت یافته بود، ایران نیز درگیر منازعه بین حکومت پهلوی و مخالفان آن بود. نیروهای مذهبی ایران از مهمترین گروه‌هایی بودند که به خاطر مسائل گوناگون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... در این دوران با خاندان پهلوی مخالفت می‌ورزیدند. مشابهت قابل توجهی میان اندیشه‌های سید قطب و نیروهای مذهبی در ایران و از آن جمله، روحانیون انقلابی مشاهده می‌شود که احتمال تأثیرگذاری اندیشه وی بر دیدگاه‌های نیروهای مبارز مذهبی در ایران را مطرح می‌سازد (همتی، ۱۳۹۱). هدف این مقاله بررسی جایگاه اندیشه سید قطب در میان نیروهای مذهبی در ایران پیش از انقلاب است. به این منظور، پس از مروری کوتاه بر آراء سید قطب، ابتدا ابزارها و کانال‌هایی که این نظرات از طریق آن‌ها وارد ایران شدند و سپس نمودهایی که اهمیت این اندیشه‌ها در آن دوران را نشان می‌دهد، بررسی خواهند شد.

در مورد سابقه پژوهش باید اشاره شود که تاکنون در مورد ارتباط اخوان‌المسلمین با برخی از جریان‌های ایرانی و به ویژه تأثیر این گروه بر فدائیان اسلام کارهایی چند صورت پذیرفته است (کریمی‌زاده، ۱۳۸۸؛ گلرو؛ ۱۳۸۵؛ خامه‌یار، ۱۳۷۱؛ اسماعیلی، ۱۳۸۴)، با این وجود، پژوهشگران در آثار خود کمتر در صدد کاویدن ابزارها و نمودهایی که بیان‌گر جایگاه خاص اندیشه سید قطب در بین نیروهای مبارز مذهبی ایران باشد، برآمده‌اند. این پژوهش قدمی در جهت روشن نمودن این جایگاه است.

۱. مروری بر آراء سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶م.)

در بررسی آراء و افکار سید قطب، زندگی او را به دو دوره می‌توان تقسیم نمود. دوره اول از اوان جوانی تا اواسط دهه‌ی ۴۰ میلادی را در بردارد و دوره دوم از اواسط دهه‌ی ۴۰ تا پایان عمر او را شامل می‌شود. در

دوره اول، سیدقطب معلم بود و بیشتر به عنوان ناقدی ادبی شناخته می‌شد (موصلی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۹). آراء و آثار سیدقطب در این دوره بیشتر بر محور نقد ادبی و داستان‌نویسی دور می‌زد (سوزنگر، ۱۳۸۳: ۳۷). در دوره دوم، جهت مقالات سید قطب از ادبیات به مسائل اجتماعی و سیاسی تغییر یافت. در این سال‌ها، قطب شروع به تألیف کتاب‌ها و مقالاتی کرد که صبغه ایدئولوژی اسلامی در آن‌ها پر رنگ بود. او در سال ۱۹۴۸ به آمریکا فرستاده شد و پس از بازگشت به مصر، توسط صالح العشماوی در سال ۱۹۵۱ به اخوان المسلمین پیوست. او به تدریج به متفکر اصلی این گروه تبدیل شد و سمت سردبیری روزنامه اخوان را به عهده گرفت (حسینی فائق، ۱۳۸۶: ۱۴۳). سید قطب در این دوره مقالاتی را در مجلات *الرساله* و *المسلمون* به چاپ رسانید (مرادی، ۱۳۸۲: ۱۸۲). وی در قسمتی از کتاب *دراسات الاسلامیه*، همکاری خود را با مجله *الدعوه* ارگان اخوان المسلمین، روزنامه *سوسیالیسم*، و پرچم جدید وابسته به گروه ملی بیان می‌کند (قطب، ۱۳۴۸ الف: ۸۴). اگرچه سید قطب پیش از کودتای ۱۹۵۲ با جمال عبدالناصر از رهبران افسران آزاد مصر دیدارهایی داشت، اما بعدها در پی بروز اختلاف بین اخوان و عبدالناصر در سال ۱۹۵۴، وی به اتهام توطئه برای قتل عبدالناصر دستگیر و سرانجام در سال ۱۹۶۶ اعدام شد (حسینی فائق، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

آن چه سید قطب را در جهان اسلام مطرح نموده است، مجموعه کتاب‌ها و مقالاتی است که در دو دهه پایانی زندگی به نگارش درآورده است. فقط تعداد قصاید و مقالات وی به ۴۵۵ مورد در نوزده نشریه می‌رسد (خالدی، ۱۳۸۰: ۱۳۴-۱۳۵). این آثار بیانگر نوع نگاه وی به موضوعات مهمی چون جنبه‌های اجتماعی و سیاسی اسلام و تعارض با تمدن غرب است. البته ترویج اندیشه‌های سید قطب در جهان اسلام، تنها از طریق کتاب‌های وی انجام نشد. همان‌طور که سیدهادی خسروشاهی می‌گوید: «او در دانشگاه‌ها و کالج‌های مصر تدریس می‌کرد و در سفرهای خود به کشورهای اسلامی و غیراسلامی، با سخنرانی‌هایی که در مجامع عمومی و علمی ایراد می‌نمود، ایدئولوژی اسلامی را معرفی می‌کرد» (قطب، ۱۳۴۸ الف: ۸-۹).

سیدقطب با نشان دادن تصویری نامطلوب از جوامع امروزی و با تبری جستن از دو اردوگاه شرق و غرب، تنها مسیر برون رفت از این وضعیت را تکیه زدن به اسلام و اجرا نمودن کامل احکام آن در جامعه می‌دانست. اندیشه‌های او تداعی‌گر جامعه‌ای است که در آن تنها اسلام حکومت خواهد کرد و جایی برای ظلم و بیدادگری باقی نخواهد ماند. سیدقطب معتقد بود که جاهلیت در جهان امروز بسی بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است، زیرا امروز بت‌های دیگری به جای سنگ و چوب مورد پرستش قرار می‌گیرند. سید قطب بیان می‌کرد که حکومت‌های امروزی انسان را به بردگی و بندگی هم‌نوع خود کشانیده و او را به عبودیت غیرخدا و نفی الوهیت خدا بر انسان وادار نموده اند. او با تفکیک دو نوع اسلام، یعنی اسلام حقیقی و اسلام آمریکایی، تنها راه برون رفت از سلطه حکومت‌های طاغوتی را جهاد فی سبیل الله می‌دانست (قطب، ۱۳۴۹: ۵۶؛ قطب، ۱۳۴۸ ب: ۲۲۵؛ قطب، ۱۳۵۹ ب: ۱۰۳-۱۰۵).

۲. ابزارها

در این بخش مهم‌ترین مسیرها و کانال‌هایی که به وسیله آن‌ها، اندیشه‌های سیدقطب به ایران راه یافت، بررسی خواهد شد.

۲-۱. ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم شخصی

یکی از مسیرهایی که اندیشه‌های سیدقطب در دوران پیش از انقلاب، احتمالاً از آن طریق توانست به ایران راه یابد، وجود برخی ارتباطات مستقیم میان روحانیون ایرانی و شخصیت‌های مصری و در مواردی با خود سیدقطب است. روابط ایران و مصر از نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد. شکل-گیری حرکت اخوان المسلمین به رهبری حسن‌البناء در دهه ۲۰ میلادی و ایجاد «دارالتقرب مذاهب اسلامی»، به نزدیکی علمای دو مذهب تشیع و تسنن انجامید و زمینه ایجاد ارتباط میان علمای هر دو مذهب را فراهم آورد (ظهیری نژاد، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

دارالتقرب اسلامی توسط شیخ محمود شلتوت مصری و با حمایت آیت الله بروجردی و آیت الله قمی تأسیس و شعبه‌ای از آن نیز در ایران به فعالیت مشغول شد. سردبیری دارالتقرب در قاهره به دست آیت الله قمی بود که حلقه‌ای ارتباطی بین روحانیون ایرانی و مصری به شمار می‌رفت (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱: ۱۷-۲۰). در این دوره حسن‌البناء، مؤسس اخوان المسلمین در مراسم حج ۱۹۴۸ با آیت الله کاشانی دیدار کرد. برخی از دانشجویان شیعه نیز که در مصر تحصیل می‌کردند به جنبش اخوان المسلمین پیوستند (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۰۹). شفاقی می‌نویسد: «از زمانی که جماعت تقرب بین مذاهب اسلامی تأسیس شد و امام‌البناء و آیت‌الله قمی در تأسیس آن سهیم بودند، همکاری میان اخوان المسلمین و شیعیان برقرار شد (شفاقی، ۱۳۷۵: ۱۶۶-۱۶۷). روابط بین روحانیون ایران و علمای مصری در این سال‌ها با انتشار مجله رساله الاسلام که در آن روحانیون ایرانی و اندیشمندان مصری به انتشار مقالات خود می‌پرداختند به اوج خود رسید (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۹: ۳۶۹).

در دوران ملی شدن صنعت نفت، از طرف اخوان المسلمین سعید رمضان به ایران آمد. او داماد حسن‌البناء و از کادر رهبری اخوان و مدیر مجله المسلمون بود که ابتدا در قاهره و بعد از تبعید او، در دمشق و سپس در ژنو منتشر می‌شد (باوی، ۱۳۸۱: ۳۳۰). همزمان با ملی شدن صنعت نفت، سید قطب در نامه‌ای به آیت الله کاشانی، با تقدیر از مبارزات ضد استعماری و حمایت وی از جریان‌های مبارز مصری، تنها راه رهایی از سلطه نظام‌های بیگانه را، چنگ زدن به اسلام راستین می‌داند. به اعتقاد او، نهضت ملی شدن صنعت نفت، یک نهضت «ملی» نیست، بلکه نهضتی اسلامی به رهبری یک روحانی است. وی در بخشی از این نامه که در مجله الرساله در سال ۱۹۵۱ به چاپ رسیده است آورده است: «استعمار غربی می‌داند که اگر میهن اسلامی یکپارچه شود، چه موقعیت استوار نظامی، سیاسی و اقتصادی نیرومندی خواهد داشت. امپریالیسم از منابع مادی و انسانی فراوانی که جهان اسلام می‌تواند فراهم بیاورد به‌خوبی آگاه است. برای استعمار کاملاً عیان است که وقتی صد میلیون نفر زیر یک پرچم و در سایه عقیده‌ای

واحد و نظام اجتماعی واحد گرد هم بیایند، کفه ترازو به نفع اینها سنگین خواهد شد» (خسروشاهی، ۱۳۶۶: ۱-۲؛ نجمی، ۱۳۹۱: ۱).

این ارتباطها ادامه یافت و آیت الله طالقانی نیز در سال ۱۳۳۱ به همراه آیت الله سید رضا موسوی زنجانی، سید صدر الدین بلاغی و شیخ خلیل کمره‌ای در کنگره شعوب‌المسلمین در کراچی شرکت کرد. در نشست قبلی کنفرانس، آیت الله کاشف الغطاء و برخی شخصیت‌های دیگر شرکت کرده بودند (کاشف الغطاء، ۱۳۴۷: ۳۵). در همین سال طالقانی از کشورهای عراق، سوریه، لبنان و عربستان دیدن نمود و با برخی شخصیت‌های اسلامی عراق، سوریه، لبنان و مصر که در کنگره کراچی با آنها آشنا شده بود ملاقات کرد. طالقانی در سفری که برای حج در سال ۱۳۳۱ داشت با شخصیت‌های اخوان از جمله سعید رمضان نیز دیدار نمود (طالقانی، بی‌تا: ۱۲۸).

پس از شکست نهضت ملی، نواب صفوی به دعوت سید قطب برای شرکت در «مؤتمر اسلامی قدس» در اردن دعوت شد. نواب در اردن مهمان اخوان بود. در این دوران سید قطب گرچه اردنی نبود، اما دبیر افتخاری و ریاست کنگره را بر عهده داشت. بعد از این کنگره، نواب به قاهره رفت و در آنجا مهمان اخوان‌المسلمین شد (باوی، ۱۳۸۱: ۳۳۱؛ حسینیان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۵۱-۳۵۲). جاذبه سید قطب برای نواب به حدی بود که عبد خدایی از یاران نواب از زبان او نقل می‌کند که نواب پس از برگشتن گفت: «سید قطب در جلسات مؤتمر به من می‌گفت انت هناء و اشاره به قلب خود می‌کرد. [یعنی] تو در قلب منی» (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

زمانی که جمال‌الناصر با اخوانی‌ها درگیر شد، نواب در نامه‌ای دو سطری به جمال‌الناصر، نوشت: «رفتار شدید شما با اخوان‌المسلمین غضبی شدید در قلوب مسلمین ایجاد نموده، سریعاً تجدید نظر نمایید و کاری نکنید که موجب پشیمانی دردناکی برای شما شود». مجله *المسلمون* که از سوی اخوان-المسلمین منتشر می‌شد، پس از اعدام نواب صفوی در یکی از شماره‌های خود تحت عنوان «با نواب» می‌نویسد: «شهید عزیز زنده یاد روابط تنگاتنگی با [مجله] *المسلمون* داشت و در ژانویه ۱۹۵۴ به عنوان مهمان در دفتر مجله در مصر اقامت کرد» (شقاقی، ۱۳۷۵: ۱۷۱). نواب در آخرین بازجویی‌های خود نیز از ارتباطش با سازمان‌های شبان‌المسلمین و اخوان‌المسلمین مصر سخن راند (جعفریان، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۱۹).

آیت الله طالقانی در سال ۱۳۳۸ نیز به همراه علما و خطبای معروف ایران از جمله آیت الله کمره‌ای، به دعوت شخصیت‌های اسلامی، در مؤتمر اسلامی قدس در شهر بیت المقدس شرکت نمود. طالقانی همچنین در این سال برای دیداری با شیخ شلتوت مفتی الازهر، به مصر سفر کرد. در سال ۱۳۴۰ نیز او در مؤتمر اسلامی در قدس به همراه هشت تن دیگر از روحانیون و شخصیت‌های ایرانی شرکت نمود (میر ابوالقاسمی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۱۲-۲۳۴؛ افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۱۶۹). در جریان این روابط، حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی به عنوان یکی از مترجمان اندیشه‌های سید قطب، در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ شمسی با شخصیت‌های مصری و نشریه *المسلمون* در ارتباط بود و نقش بسزایی در انتقال اندیشه‌های سید قطب به جامعه ایران ایفا نمود (خسروشاهی، ۱۳۹۱).

۲-۲. دسترسی به آثار سیدقطب و ترجمه آن‌ها در ایران

مهم‌ترین کانال ورود اندیشه‌های سید قطب به محافل مذهبی مبارز در ایران، دسترسی این محافل و بویژه روحانیون انقلابی به کتاب‌های تألیفی سید قطب در دوران دوم است که شروع ترجمه آن‌ها در ایران به دهه‌ی ۳۰ بر می‌گردد و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به اوج خود می‌رسد.

مهم‌ترین آثار فارسی شده سید قطب در دوران قبل از انقلاب عبارتند از:

- العداله الاجتماعی فی الاسلام (۱۹۴۸)، با عنوان عدالت اجتماعی در اسلام، توسط سید هادی خسروشاهی و محمد علی گرامی بین سال‌های ۴۰-۴۲ ترجمه شد.

- معرکه الاسلام و الرأسمالیه (۱۹۵۱)، با عنوان اسلام و دیگران، به وسیله سید محمد شیرازی در سال ۱۳۴۲ و با عنوان مقابله اسلام و سرمایه‌داری توسط محمد رادمنش در دهه ۵۰ ترجمه شد.

- الاسلام العالمی و الاسلام (۱۹۵۱)، با عنوان اسلام و صلح جهانی، توسط سیدهادی خسروشاهی و زین‌العابدین قربانی در سال ۴۲ ترجمه شده و با عنوان زیر بنای صلح جهانی در چاپ‌های بعدی انتشار یافت.

- دراسات الاسلامیه (۱۹۵۳)، با عنوان ما چه می‌گوییم، توسط سید هادی خسروشاهی بین سال‌های ۴۰-۴۲ و قسمت‌هایی از آن با عنوان اسلام و مسائل روز توسط محمد جعفر امامی در دهه ۵۰ ترجمه شد.^۱

- هذا الدین (بین سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۶۰)، با عنوان اسلام آیین فطرت، توسط ابراهیم میر باقری در سال ۱۳۴۸ ترجمه شد.

- المستقبل لهذا الدین (بین سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۶۰)، با عنوان آینده در قلمرو اسلام، توسط آیت الله سید علی خامنه‌ای در سال ۱۳۴۵ ترجمه شد.

- فی ظلال القرآن (بین سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۶۴)، با عنوان در سایه قرآن توسط احمد آرام در دهه ۳۰ در دوازده جلد و ۲ جزء اول آن نیز توسط آیت الله سید علی خامنه‌ای در دهه ۵۰ ترجمه شد.

- الاسلام و المشکلات الحضاره (بین سال‌های ۱۹۵۴ - ۱۹۶۲)، با عنوان ادعانه‌های علیه تمدن غرب، توسط آیت الله سیدعلی خامنه‌ای در سال ۱۳۴۹ و با عنوان فاجعه تمدن و رسالت اسلام، توسط علی حجتی کرمانی در سال ۱۳۵۱ ترجمه شد.

- خصائص التصور الاسلامی و مقوماته (۱۹۶۲)، با عنوان ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی، توسط سید محمد خامنه‌ای در دهه ۱۳۵۰ ترجمه شد.

۱. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات سیدقطب است که ابتدا در مطبوعات اسلامی منتشر گردید و سپس با عنوان *دراسات الاسلامیه* چاپ شد. ترجمه آن نیز ابتدا به صورت مقالات پراکنده در روزنامه‌های قم و تهران با امضای ابوصالح منتشر گردید (قطب، ۱۳۴۸ الف: ۱۲).

- معالم فی الطریق (۱۹۶۴)، با عنوان چراغی بر فراز راه، در دهه ی ۴۰ توسط حسن اکبری مرزناک ترجمه شد (Bouzid, 1998).

نفوذ آثار سیدقطب در ایران چنان زیاد است که مهمترین اثر وی، یعنی معالم فی الطریق که در سال - های پایانی عمر خود نوشت به فاصله دو سال به دست ایرانیان رسید و جلد اول آن در سال ۱۳۴۶ منتشر شد (قطب، ۱۳۴۸ الف: ۵-۶). با بررسی مقدمه مترجم کتاب عدالت اجتماعی در اسلام که چاپ اول آن در ایران به اوایل دهه ۴۰ شمسی می‌رسد، می‌توان دریافت که نسخه عربی اکثر کتب سید قطب به فاصله اندکی در ایران در دسترس بوده است و بسیاری از مقالات سید قطب که در ماهنامه المسلمون از طرف دکتر سعید رمضان نخست در قاهره و سپس در دمشق چاپ می‌شد، قبل از دهه ۴۰ شمسی به دست ایرانیان رسیده است (قطب، ۱۳۴۶: ۱۸-۱۹).

برخی آثار سید قطب تا ۱۳۴۸ در ایران، هفت بار و اغلب آثار او در این دوران چهار تا شش بار تجدید چاپ شدند. آثار قطب نه تنها در این دوران در ایران، بلکه به سرعت در سراسر جهان اسلام مورد استقبال واقع شدند. خسروشاهی در مقدمه ما چه می‌گوییم آورده است: «در حالی که نسخه‌های کتاب‌های سید قطب در قاهره و دمشق جمع آوری می‌شد در سراسر دنیا به سرعت منتشر گردید» (قطب، ۱۳۴۸ الف: ۶-۸).

۳. نمودها

در این بخش به بررسی نمودها و نشانه‌هایی می‌پردازیم که جایگاه اندیشه سید قطب در حلقه‌های نیروهای سیاسی مذهبی در دوران قبل از انقلاب را مشخص می‌کند.

۳-۱. بیان اهمیت آثار سید قطب در مقدمه مترجمان آثار او

یکی از دلایلی که یک مترجم را به ترجمه اثری وامی‌دارد، نقش و کارکرد مثبتی است که آن نوشته نه تنها برای خود آن شخص، بلکه برای جامعه وی می‌تواند داشته باشد. با بررسی مقدمه‌های نوشته شده توسط مترجمان آثار سید قطب به این نکته می‌توان پی برد که اندیشه‌های فردی چون سید قطب تا چه حد برای مترجمان این آثار اهمیت داشته است.

خسروشاهی در مقدمه عدالت اجتماعی در اسلام در بیان اهمیت اندیشه‌ها و آثار سید قطب می‌نویسد: «پس از نشر این کتاب‌ها و مقالات دیگر دینی در مجلات و جرائد، مطبوعات و روزنامه‌های جهان اسلام "سید قطب" را بزرگ‌ترین متفکر اسلامی عصر ما و عمیق‌ترین نویسنده اسلامی نامیدند که البته تا حدود زیاد هم حق با آن‌هاست» (قطب، ۱۳۴۶: ۱۸-۱۹). خسروشاهی همچنین می‌نویسد: «البته لازم به توضیح نیست که طرز فکر "سید قطب" طرز فکر ما و عقیده همه مسلمانان مجاهد جهان است که در راه پیشبرد هدف‌های مقدس و انسان دوستی و همگانی آن تا سر حد "پیروزی" یا "شهادت" مبارزه نموده و خواهند نمود و بسیار روشن است که پیروزی یا شهادت از نظر منطق اسلام، هر دو سعادت و هر دو

خوشبختی، هر دو برای خدا و در راه خداست. با چنین امید و ایمانی و برای چنین مقصود و هدفی همه با هم به پیش» (قطب، ۱۳۴۶: ۱۶-۱۷).

احمد آرام در مقدمه تفسیر فی ظلال القرآن که در سال ۱۳۳۳ نگاشته شده، ضمن بیان خاص بودن نوشته‌های سید قطب می‌نویسد: «مؤلف که در زبان عربی استاد است، با روح مسلمانی قرآن خوانده، و همان گونه که دستور قرآن است، در آن اندیشیده و تدبر کرده و آنچه را دریافته در این کتاب گرد کرده است» (قطب، ۱۳۳۴، جلد ۱: ۱۱). علی حجتی کرمانی درباره اهمیت آثار سید قطب در ایران و استقبال بی‌نظیر از آثار او، در مقدمه کتاب فاجعه تمدن و رسالت اسلام اشاره می‌کند که این ترجمه از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ حداقل پنج مرتبه چاپ و انتشار یافته است (قطب، ۱۳۶۵: مقدمه مترجم). این نشان دهنده اهمیتی است که اندیشه‌های او برای ایرانیان و از آن جمله روحانیون آن دوران داشته است. محمدعلی عابدی نیز که خود در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی چندین اثر از محمد قطب^۱ را ترجمه کرده است در مورد سید قطب می‌نویسد:

این مرد عبارتست از همان چهره سرشناس عصر و مبارز پر توان مشهور، سید قطب. این آدم مدت‌ها با زبان و قلم با ستمگران مبارزه کرد و عاقبت هم در این راه فدا شد. با این همه گرفتاری که داشت آنی قلم را بر زمین ننهاد، او در قرآن تا حد توان خود کوشید و به نکات برجسته‌ای دست یافت که تا کنون پنهان مانده بود. گرچه خود نیز نارسائیهایی بس دقیقی دارد، اما با این وصف، قهرمان کم‌نظیری است. او تفسیری دارد که حاوی نکات بس دقیقی است و بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین آن‌ها همان روش تصویر فنی و نمایش هنری است. او در باره تصویر فنی در قرآن بسزا کوشیده ... او دانشمندی است روشنفکر و تیزهوش که در فهم نکات دقیق قرآن بتوفیقی دست یافته که در نوع خود کم‌نظیر است، و این هم جزئی از معجزات قرآنست که در هر عصری قهرمانی پرورش می‌دهد تا رازهای ناشکفته‌ای را به جهان عرضه کند (قطب، ۱۳۵۹ الف: ۱۴-۱۵).

عابدی در باب تأثیر قطب و برادرش بر روشنفکران ایرانی می‌نویسد: «یادم هست که در آنجا [عربستان] مرحوم شهید بزرگوار شهید دکتر شریعتی خیلی تلاش کرد که او [محمد قطب] را زیارت کند» (قطب، ۱۳۵۹ الف: ۱۵-۱۶). سید ابراهیم میر باقری هم در مقدمه کتاب اسلام آیین فطرت می‌نویسد: «یکی از کسانی که در این راه [روشن کردن حقیقت اسلام] قدم برداشته، سید قطب نویسنده توانا و متفکر بزرگ اسلامی است که با قلمی شیوا و بیانی عالی، به قدر فکر بلند خود پرده از چهره تابناک خورشید اسلام برداشته و حقایقش را پرثمر جلوه‌گر ساخته است» (قطب، ۱۳۴۸ ب: ۱۳). آوردن عبارت «نویسنده شهید اسلامی» در پشت جلد این کتاب عمق تأثیر سید قطب بر مترجم کتاب را بیان می‌کند.

۱. پا به پای ترجمه اندیشه‌های سید قطب چندین اثر از برادر کوچکتر او در ایران منتشر شد که این موج ترجمه به دهه‌ی ۳۰ و ترجمه مقبلسانه یکی از آثار محمد قطب در سال ۱۳۳۴ توسط صدر الدین بلاغی بر می‌گردد (بلاغی، ۱۳۳۴).

محمد جعفر امامی نیز در مقدمه کتاب اسلام و مسائل روز در باره اهمیت نوشته‌های سید قطب می‌نویسد: «کتاب بسیار نوشته می‌شود و نوشته‌های زیادی ترجمه می‌گردد اما هر کتابی خواندنی نیست و هر نوشته‌ای لیاقت ترجمه ندارد» (قطب، ۱۳۵۳: ۱۰). امامی با بیان اهمیت اندیشه سید قطب و لزوم مطالعه نوشته‌های وی توسط عموم مسلمانان، بر نقش روشنگر کتب و نوشته‌های وی در جهت بیداری و آگاهی مسلمانان به وظایفشان تأکید می‌ورزد. او می‌نویسد: «هر کدام از آن‌ها [نوشته‌های سید قطب] برای بیداری مسلمانان، خصوصاً نسل جوان، بس مفید و قابل استفاده است». امامی با اشاره به فهم صحیح سید قطب از اسلام می‌نویسد: «یادداشت‌های این کتاب [اسلام و مسائل روز] عمیق و پر حرارت است و هر مسلمانی را به وظیفه خود آشنا می‌سازد» (قطب، ۱۳۵۳: ۱۱).

سید محمد خامنه‌ای در مقدمه کتاب ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی بیان می‌کند که ترجمه این کتاب به خواهش برادر ایشان [آیت الله خامنه‌ای] آغاز شده است (قطب، بی‌تا.الف: ۴۸). وی در خصوص شخصیت سید قطب می‌نویسد: «نامش سید است و نامی به حق و روا، نه به آن معنا که نژاد تن از پیامبر هاشمی دارد، بلکه پویش او در اندیشه و عمل نشان فرزندى اوست - رحمت حق بر روانش باد» (قطب، بی‌تا.الف: ۴۵). او خصوصیت بارز سید قطب را در نگرانی‌اش از غربت ایدئولوژی اسلامی و «مخالفت پیگیر و بدبینی سخت و پیکار سرسخت او با افکار و آراء و اصطلاحات و ... غربی» می‌داند. وی معتقد است سید قطب «مانند بسیاری از نو اندیشان غرب‌زده نیست و مانند خیلی از متفکرین سنت‌گرا یا شرق‌زده نیز نمی‌باشد» (قطب، بی‌تا.الف: ۴۸). سید محمد خامنه‌ای با بیان اهمیت اندیشه‌های افرادی چون سید قطب می‌نویسد: «سید قطب و سید قطب‌ها گرچه ممکن است در نظر مشکل‌پسند عده‌ای چون ما، کمال مطلوب نباشند، ولی مگر در جهان اسلام امثال او چند نفرند و اسلام چه تعداد از این "دُر" در کیسه دارد که استغنا بفروشیم و امثال او را از خود ندانیم و برانیم» (قطب، بی‌تا.الف: ۴۶).

آیت الله خامنه‌ای نیز در مقدمه کتاب ادعانامه‌ای علیه تمدن غرب ضمن همراهی خود با آراء سید قطب در خصوص مردود دانستن مکاتب غربی می‌نویسد: «به نظر او [سید قطب] و بنظر ما این معجزه در انحصار اسلام است. دیگر راه‌ها جز سرگردانی بیشتر نتیجه‌ای بیار نمی‌آورد» (قطب، ۱۳۴۹: ۱۴-۱۵). ایشان در مقدمه آینده در قلمرو اسلام نیز نقش کتب سید قطب در پر کردن خلأ موجود در شناخت دین را تحسین کرده و می‌نویسد:

مؤلف عالیقدر و بزرگوار کوشیده است در ضمن فصول این کتاب که به وضعی ابتکاری منظم شده‌اند ابتدا ماهیت دین را آن چنانکه هست معرفی کند و پس از بیان اینکه دین برنامه زندگیست و شعائر و مظاهر دینی آنگاه ضروری و سودبخش است که نماینده واقعیات و نشان دهنده حقایق باشد، پس از بیان این حقایق با بیان شیوا و جهان بینی خاص خود ثابت می‌کند که سرانجام حکومت جهان در اختیار مکتب ما و آینده در قلمرو اسلام خواهد بود (قطب، ۱۳۴۵: ۱۸).

آیت الله خامنه‌ای اگرچه نسبت به ارجاعات داده شده به برخی افراد در کتاب آینده در قلمرو اسلام با سید قطب هم‌نظر نیست، اما کلیت آراء بیان شده در این کتاب را مقبول می‌شمارد. ایشان در پایان مقدمه این کتاب می‌نویسد: «نسبت به چند نفر از اشخاصی که در فصل آخر کتاب، به‌منظور تجلیل از آنان، نامشان ذکر شده، با مؤلف هم عقیده نیستم ولی به خاطر توافق در اساس مطلب از ذکر اعتراض و آوردن پاورقی اجتناب شده است» (قطب، ۱۳۴۵: ۱۸-۱۹).

در پایان کتاب اسلام و صلح جهانی که در سال ۴۲ به چاپ رسیده است، درباره اهمیت کتاب‌های سید قطب آمده است «محصّلین و دانشجویان باید آن را [عدالت اجتماعی در اسلام] بخوانند تا بتوانند در مجالس و محافل اجتماعی حقیقت عدالت اجتماعی اسلامی را برای مردم شرح دهند» (قطب، ۱۳۴۲: ۳۷۸). نسبت دادن «نویسنده و دانشمند بزرگ اسلامی» در پشت جلد این کتاب به سید قطب، اهمیت اندیشه‌های وی برای مترجم کتاب را آشکار می‌سازد. محمود خضری نیز درباره اهمیت کتاب‌های سید قطب در مقدمه فلسفه جهاد در اسلام می‌نویسد: «بی‌تردید این‌گونه کتاب‌ها به آشنایی نسل جدید با اسلام و تحقق یافتن آرمان‌های آن در جامعه یاری خواهد کرد» (قطب و دیگران، ۱۳۵۹: ۸).

۲-۳. بیان احساسی نیاز به اندیشه‌های سید قطب

بیان نیاز به اندیشه‌های سید قطب نمود دیگر از جایگاه افکار او در ایران پیش از انقلاب است. مسجد جامعی در این باره می‌نویسد: «نیاز به این قبیل اندیشه‌ها نیازی است واقعی و جدی که پاسخی می‌طلبد و وقتی کسی جز او سخنی برای عرضه ندارد طبیعی خواهد بود که به سویش بشتابند» (مسجدجامعی، ۱۳۶۹: ۱۶۷). هر ایردکم‌جیان نیز بر نقش خاص قطب در رفع این نیازها در سطح جهان اسلام صحنه گذاشته و معتقد است قطب تأثیری جدی در جهت تقویت ایدئولوژی اسلامی داشته است (دکم‌جیان، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

از نظر جعفریان، آنچه سبب ترجمه آثار سید قطب در ایران شد، نقشی بود که آثار سید قطب می‌توانست در جهت تقویت افکار مذهبی و فراهم آوردن خوراک فکری تازه برای روحانیون داشته باشد. او می‌نویسد: «پس از سه چهار دهه غفلت و سرکوبی روحانیت، چنین تصور می‌شد که تنها روشنفکران غیرمذهبی هستند که با مسائل اجتماعی سر و کار دارند. با آمدن این آثار به صحنه در کنار آثار شماری از نویسندگان مذهبی در داخل، راه برای ورود طلاب به حوزه‌های روشنفکری و اجتماعی فراهم گردید» (جعفریان، ۱۳۸۲: ۱۹۰).

جعفریان با بیان این که بعد از حوادث سال ۱۳۴۲ نهضتی فرهنگی برای مبارزه با رژیم شروع شد بر این مدعا است که اندیشه‌های سید قطب و برادرش توانست نیازهای این نهضت را تا حدودی برای روحانیت برآورده نماید. او در باره اهمیت اندیشه‌های سید قطب برای جامعه روحانیت در آن دوره می‌نویسد: «اندیشه اخوان‌المسلمین که به‌ویژه از بُعد دینی در آثار سید قطب و محمد قطب انعکاس می‌یافت میان روحانیون ایران تأثیر گذاشت» (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۵۶-۳۵۷؛ جعفریان، ۱۳۸۴: ۱۷).

آیت الله مطهری نیز ضمن بیان نیاز جامعه به اندیشه‌ای مترقی، از این که تلاش چندانی از طرف روحانیون برای رفع این نیاز صورت نمی‌گیرد، انتقاد می‌کند. ایشان در کتاب ده گفتار می‌نویسد:

در قرون اولیه اسلامی ... روحانیین ایران از لحاظ روشن‌بینی و تألیفات متنوع در رشته‌های مختلف و ابتکار در علوم، از مصری‌ها عقب نبودند. اما امروز کار به عکس است. روشنفکران مسلمان ایران چشمشان به دانشمندان مصر است که در مسائل اجتماعی اسلامی مورد نیاز روز، تألیف جدیدی بیرون دهند. از روحانیین خودشان مأیوسند، زیرا در وضع و شرایط حاضر، از این‌ها جز رساله عملیه که به کار عوام می‌خورد و یا تألیفات سطحی که از حدود فکر عوام تجاوز نمی‌کند نمی‌توان انتظار داشت (مطهری، بی‌تا: ۲۵۸).

این سخن مبین جایگاه و اهمیت بالای اندیشمندان مصری و احتمالاً سید قطب در محافل علاقه‌مند به اندیشه دینی در ایران در دوران قبل از انقلاب است. شواهد نشان دهنده نوعی خلأ ایدئولوژیک در جامعه ایران و نیاز جامعه و به طور خاص نسل جوان آن دوران به اندیشه‌ای با غنای دینی است (قوچانی، ۱۳۸۱: ۲۳۵؛ افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۱۹۰). کتاب‌های سیدقطب توانست برای پر نمودن این خلأ، سودمند باشد. آیت‌الله سیدمحمد شیرازی نیاز نسل جوان به اندیشه افرادی همچون سید قطب را در مقدمه ترجمه کتاب معرکه الاسلام و رأسمالیه چنین بازگو می‌کند: «استقبال روشنفکران و طبقه جوان برای آگاهی و عمل به وظایف اجتماعی در سال‌های اخیر و تسلط عمیق مؤلف به مسائل اجتماعی کشورهای اسلامی، مترجم را بر آن داشت که کتاب حاضر را تقدیم صاحبان این هدف کند» (قطب، بی-تاب: مقدمه مترجم).

محمد رادمنش نیز در کتاب اسلام و سرمایه‌داری، نیاز به چنین نوشته‌هایی را یاد آور می‌شود. او بر اهمیت افکار سید قطب به عنوان تلاشی در جهت استقلال مالی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی و آلترناتیوی در برابر مکاتبی چون کمونیسم و کاپیتالیسم تأکید می‌نماید. وی می‌نویسد: «آری باید به حقایق زنده اسلام آگاه شویم تا بفهمیم که اگر ما اسلام خودمان را با خلوص نیت و با تحقیق صحیح بشناسیم به قدرت این دین و به صلاحیت آن در رفع تمام مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پی می‌بریم در نتیجه بی‌نیازی خودمان را از سایر مکاتب باور می‌کنیم» (قطب، ۱۳۶۰: ۱۱).

با بررسی اظهارات افرادی که به نوعی احساس نیاز به اندیشه سید قطب را بیان کرده‌اند، به جایگاه مهم اندیشه وی نزد روحانیون و شخصیت‌های ایرانی می‌توان پی برد. سید هادی خسروشاهی در مورد علت اصلی ترجمه کتاب‌های سید قطب در جامعه ایران می‌گوید: «ما احساس می‌کردیم از لحاظ ایدئولوژی بچه‌های ما چیزی ندارند. به دانشگاه یا مسجد مرحوم آیت‌الله طالقانی می‌رفتیم و می‌دیدیم واقعاً نیاز هست و ما چیزی نداریم، با رساله و توضیح‌المسائل هم نمی‌شد آن‌ها را در مقابل گرایش‌های غیراسلامی حفظ کرد» (باوی، ۱۳۸۱: ۳۳۱).

خسروشاهی در خصوص دلایل گسترش اندیشه و آثار سید قطب در جامعه ایران می‌نویسد: «به هر حال نیاز نسل جوان ایران و احساس نیاز ما سبب شد این آثار را ترجمه کنیم، نه این که تشکیلاتی وجود

داشته باشد، یا از قبل برنامه‌ریزی شده باشد». او در مورد واکنش روحانیون ایرانی در خصوص ترجمه آثار سید قطب می‌گوید: «آن‌ها مؤید ما بودند. این جریان هم محدود به شهید مطهری، مرحوم آقای بازرگان و مرحوم آقای طالقانی و امثال آنان بود و ما را به دلیل نشر کتاب‌ها تشویق می‌کردند. در واقع خودشان نمی‌رسیدند، از این که می‌دیدند بچه طلبه‌هایی مثل ما به میدان آمده‌اند خوشحال بودند» (باوی، ۱۳۸۱: ۳۳۶). او در مورد جایگاه اندیشه‌های سید قطب برای گروه‌های چریکی از جمله مجاهدین خلق اولیه می‌نویسد:

برادرانی که در آن روزهای بحرانی خواستار چاپ و نشر این مقالات به طور مستقل بودند، هر کدام نقشی در مبارزه با طاغوت و پیشبرد اهداف اسلامی و سپس پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عهده داشتند و بعضی آن‌ها در این راه شهید شدند و برخی دیگر امروز مسئولیت‌هایی در نظام اسلامی دارند؛ معتقد بودند که "ما چه می‌گوییم" بیان‌گر خواسته‌های آن‌هاست و می‌تواند در برابر کتاب‌ها و نشریات گروه‌های چپ و راست تبیین‌کننده مواضع اسلامی باشد و در واقع به قول شهید حنیف نژاد در آن شرایط، این کتاب مانیفیست بچه‌ها شد و به همین دلیل در قطع کوچک چریکی، ده‌ها بار چاپ و در سطح وسیعی در سراسر کشور توزیع گردید. علاوه بر نقش و تأثیر این کتاب در روشن کردن ذهن جوانان ایران، در پاکستان و افغانستان نیز این کتاب مورد توجه گروه‌های اسلامی قرار گرفت (قطب، ۱۳۷۲: ۱۰).

در بازجویی اعضای گروه انقلابی نه‌اوند^۲، دو تن از آن‌ها اظهار داشتند که اندیشه‌های سید قطب برای این گروه نقش مهمی داشته است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶: ۱۰۵ و ۱۲۲). دکتر صادق طباطبائی از اعضای جنبش دانشجویی ایران در دوران قبل از انقلاب، در باره نفوذ اندیشه‌های سید قطب بر اتحادیه بین‌المللی دانشجویان چین می‌گوید: «در یک مقطعی [دهه‌ی ۴۰ شمسی] این سازمان به شدت تحت تأثیر افکار سید قطب و اخوان المسلمین بود» (طباطبائی، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۴).

لطف‌الله میثمی از اعضای نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق اولیه در مورد حوادث سال‌های ۴۰ می‌گوید: «در جلسات انجمن اسلامی دانشکده اغلب در ابتدای جلسه یکی نفر مقاله‌ای از سید قطب را قبلاً می‌خواند و در آنجا خلاصه‌اش را می‌گفت» (میثمی، ۱۳۸۰: ۳۴). او همچنین در خصوص کلاس‌های آموزشی نهضت آزادی می‌گوید: «در کلاس‌های آموزشی کتاب‌های سید قطب را می‌خواندیم و خلاصه‌اش را می‌گفتیم» (همان: ۹۲).

^۱ ترجمه کتاب *دراسات الاسلامیه* از سید قطب که توسط سید هادی خسروشاهی صورت گرفت.

^۲ در سال ۱۳۵۰ شماری از دانش‌آموزان دبیرستان شهر نه‌اوند اقدام به تشکیل گروه انقلابی ابوذر و فعالیت‌های سیاسی و مذهبی کردند. آن‌ها در سال ۵۲ پس از ملاقات با آیت‌الله ربانی شیرازی در قم، اقدام به خلع سلاح پلیس محافظ بازار قم کردند که منجر به درگیری و دستگیری آن‌ها شد («مراسم بزرگداشت شهدای گروه ابوذر برگزار شد»، ۱۳۸۵: ۴).

اندیشه‌های سید قطب در دوران پیش از انقلاب چنان حائز اهمیت شمرده می‌شد که برخی روحانیون انتشار کتاب‌های او را، در صورت تأیید امام خمینی، توصیه می‌کردند. آیت‌الله ربانی شیرازی در سال ۱۳۴۹ در نامه‌ای به نجف اشرف، خطاب به سید حمید روحانی می‌نویسد: «و رفقا در آنجا [نجف]... باید جلسه تحقیقی درست کنند و با فراهم کردن کتب دیگری که در عراق موجود است از قبیل کتب مصری: قطب ... و کتب زیادی که مصری‌ها در [باره] حکومت اسلامی نوشته‌اند... به نظر حاج آقا [امام خمینی] برسانید و چاپ کنید» (روحانی، ۱۳۸۱، جلد ۲: ۷۵؛ جعفریان، ۱۳۸۴، جلد ۲: ۶۷۲).

۳-۳. نقد اندیشه سید قطب

یکی از نمودهایی که می‌تواند به نوعی بیان‌گر جایگاه اندیشه‌های سید قطب در میان نیروهای مذهبی در ایران باشد، نقدهایی است که بر اندیشه‌های او وارد شده و تلاش‌هایی است که نویسندگان در این دوره برای ارائه آلترناتیو‌هایی در جهت رفع نیازهای ایدئولوژیک جامعه ایران انجام داده‌اند. در این جا به گوشه‌ای از این انتقادات اشاره خواهد شد.

ابوفاضل رضوی اردکانی در کتابی با عنوان دفاع از حق که در سال ۱۳۵۰ شمسی چاپ شد، به نقد عقاید سیدقطب پرداخته است. او در این کتاب آورده است که هدفش انکار شخصیت علمی سیدقطب نیست، بلکه او را نویسنده‌ای توانا می‌داند، که به هر روی معصوم نبوده و لازم است اشتباهات وی یادآوری شود. نویسنده در این کتاب به کسانی که سید قطب را «شهید اسلامی» می‌خوانند اعتراض می‌کند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۵۶-۳۵۷). سید ابراهیم میلانی نیز فصل مفصلی در نقد سیدقطب نوشته و مروجان اندیشه‌های وی را مشتئی فرنگی‌مآب و غرب‌زده دانسته است. وی سیدقطب را مردی بی‌دین و ایمان و متعصب دانسته که گروهی بی‌جا از او تعریف و تجلیل می‌نمایند. او سپس برخی از دیدگاه‌های سید قطب درباره اهل بیت را که در تفسیر وی آمده، نقل و نقد کرده است (همان).

آیت الله مطهری، در کتاب نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر می‌آورد: «هر چند جهان تسنن پیش از جهان تشیع با تمدن جدید و مشکلات و مسائلی که این تمدن به وجود آورده آشنا شد و در جستجوی کشف راه حل بوده است»، با این حال آنچه در جهان تشیع عرضه شده از عمق بالاتری برخوردار است و نیازی به اندیشه‌های امثال سید قطب برای اندیشمندان ایرانی وجود ندارد (مطهری، ۱۳۷۵: ۹۲).

آیت‌الله مطهری به کسانی که معتقدند «باید برای فهم قرآن فلسفه را کنار گذاشت» خرده گرفته و نگاه ایشان به اسلام را غیرصحیح قلمداد می‌کند. او در اصول فلسفه و روش رئالیسم می‌نویسد: «مخصوصاً این مصری‌های عهد اخیر که دارای یک فلسفه عمیق نیستند و با حرف‌های اروپایی آشنا شدند از قبیل سیدقطب و محمد قطب و ابوالحسن ندوی چنین نظراتی دارند. برخی از این فارسی نویس‌های خودمان نیز خیال کرده‌اند حرف‌های آن‌ها [کسانی مانند سیدقطب] و نوشته‌های آن اروپاییان الهیات کامل است» (مطهری، ۱۳۸۰: ۴۶۷). این انتقادات بیان‌گر نفوذ اندیشه سیدقطب در میان نیروهای مذهبی پیش از انقلاب است.

نتیجه‌گیری

حرکت‌های احیاگرانه از میانه قرن بیستم در سراسر جهان اسلام شدت گرفتند و نیروهای اسلام‌گرا در حوزه‌های مختلف اجتماعی و به‌ویژه سیاسی فعالیت خود را تشدید کردند. این فعالیت‌ها پشتوانه‌ای فکری را می‌طلبد که اندیشمندانی چون سیدقطب برای فراهم آوردن آن سخت کوشیدند و اندیشه‌های ایشان در مرزهای یک کشور محدود نماند. این تحقیق مبین نقش پر اهمیت اندیشه سید قطب در تقویت ایدئولوژی اسلامی برای مخالفان رژیم پهلوی در سال‌های قبل از انقلاب است. نقل‌قول‌هایی که از فعالان سیاسی مخالف رژیم در تأیید و همسویی با اندیشه‌های سیدقطب ذکر شد، جایگاه مهم این اندیشه‌ها در میان این نیروها را نمایان می‌سازد. ترجمه آثار سیدقطب در ایران و سفرها و دیدارهای روحانیون ایران با شخصیت‌های مصری به ترتیب مهم‌ترین ابزارهای ورود اندیشه‌های سید قطب به ایران در دوران پیش از انقلاب اسلامی بوده‌اند. شواهد نشان‌گر آنند که روحانیون انقلابی مهم‌ترین انتقال-دهندگان اندیشه سیدقطب به ایران بوده‌اند. آن‌ها واکنش صریح‌تری نسبت به سایر نیروها در تأیید یا نقد اندیشه‌های سیدقطب نشان دادند و بیشتر از سایر اقشار کوشیدند تا برای پر کردن خلأ فکری دوران خود و در جهت تقویت اندیشه اسلامی، از اندیشه‌های سیدقطب استفاده کنند.

منابع

- اسماعیلی، طوبی (۱۳۸۴)، *اخوان المسلمین مصر و تأثیر آن بر اندیشه دینی در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه آزاد تهران.
- افراسیابی، بهرام و سعید دهقان (۱۳۶۰)، *طالقانی و تاریخ*، تهران: نیلوفر.
- باوی، محمد (۱۳۸۱)، «*اخوان المسلمین و جنبش اسلامی ایران*؛ مصاحبه با سید هادی خسروشاهی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۸: ۳۲۹-۳۴۰.
- بلاغی، صدرالدین (۱۳۳۴)، *برهان قرآن و رد مهمترین شبهات پیروان کمونیزم و سایر معاندین اسلام*، تهران: بی‌نا.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۲)، *جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی-سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۵۷*، چاپ چهارم، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- _____ (۱۳۸۴)، *رسائل سیاسی - اسلامی دوره پهلوی، جلد اول و دوم*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۳۸۶)، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران: از روی کار آمدن محمد رضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی*، چاپ هفتم، قم: نشر مورخ.
- حسینی، فائق؛ سیدمحمد، مهدی (۱۳۸۶)، «*سیری در اندیشه‌های سیاسی سیدقطب*»، فصلنامه ره‌آورد سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶: ۱۳۷-۱۵۶.
- حسینی، مهدی (۱۳۷۹)، *خاطرات محمدمهدی عبدخدایی: مروری بر تاریخچه فداییان اسلام*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- حسینیان، روح الله (۱۳۸۷)، *انقلاب اسلامی (زمینه‌ها، چگونگی و چرایی)*، جلد دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حموده، عادل (۱۳۸۶)، *سید قطب از ولادت تا شهادت (از روستا تا چوبه دار)*، ترجمه فضل‌الله میر قادری، شیراز: کوشا مهر.
- خالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۳۸۰)، *سید قطب از ولادت تا شهادت*، ترجمه جلیل بهرامی نیا، تهران: احسان.
- خامه‌یار، عباس (۱۳۷۱)، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اخوان المسلمین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۶۶)، «نامه سید قطب به آیت‌الله کاشانی»، روزنامه اطلاعات، ۶۶/۱۲/۲۷.
- _____ (بازیابی شده ۱۳۹۱)، پایگاه اطلاع‌رسانی استاد سید هادی خسروشاهی، (قابل دسترسی در: <http://www.khosroshahi.org>).
- دکمجیان، هرایر (۱۳۸۸)، *جنبش‌های اسلامی در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)*، چاپ پنجم، تهران: کیهان.
- ذوالفقاری، سیدمحمد (۱۳۸۹)، «جریان اخوان المسلمین در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۳.
- روحانی، سیدحمید (۱۳۸۱)، *نهضت امام خمینی*، جلد اول و دوم، چاپ پنجم، تهران: عروج.
- سوزنگر، سیروس (۱۳۸۳)، *اندیشه‌های سیاسی سید قطب*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شقاقی، فتحی (۱۳۷۵)، *جهاد اسلامی امام خمینی، شیعه و سنی و مسأله فلسطین*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- طالقانی، محمود (بی‌تا)، *بسوی خدا می‌رویم: با هم به حج می‌رویم*، تهران: نشر مسجد هدایت.
- طباطبائی، صادق (۱۳۸۷)، *خاطرات سیاسی اجتماعی (۱)*، جلد اول، تهران: عروج.
- ظهیری نژاد، مهناز (۱۳۸۲)، *مناسبات امام خمینی با حرکتها و مبارزان اسلامی (۱۳۴۳-۱۳۵۷)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قطب، سید (بی‌تا. الف)، *ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی*، ترجمه محمد خامنه‌ای، تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- _____ (بی‌تا. ب)، *اسلام و دیگران*، ترجمه سید محمد شیرازی، تهران: کانون انتشارات عابدی.
- _____ (۱۳۳۴)، *در سایه قرآن*، ترجمه احمد آرام، جلد اول، تهران: انتشارات علی اکبر علمی.
- _____ (۱۳۴۲)، *اسلام و صلح جهانی*، ترجمه زین‌العابدین قربانی لاهیجی و سید هادی خسروشاهی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۴۵)، *آینده در قلمرو اسلام*، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، مشهد: نشر سپیده.
- _____ (۱۳۴۶)، *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی و محمد علی گرامی، چاپ سوم، قم: نشر وزارت فرهنگ (کتاب فروشی مصطفوی).
- _____ (۱۳۴۸ الف)، *ما چه می‌گوییم*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، چاپ دوم، قم: انتشارات دین و دانش.
- _____ (۱۳۴۸ ب)، *اسلام آیین فطرت*، ترجمه ابراهیم میر باقری، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۴۹)، *ادعای‌نامه‌ای علیه تمدن غرب و دورنمایی از رسالت اسلام*، ترجمه سید علی خامنه‌ای و سید هادی خامنه‌ای، مشهد: نشر طوس.

- _____ (۱۳۵۳)، *اسلام و مسائل روز*، ترجمه محمد جعفر امامی شیرازی، قم: انتشارات نسل جوان.
- _____ (۱۳۵۹ الف)، *تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن*، ترجمه محمد علی عابدی، تهران: مرکز نشر انقلاب.
- _____ (۱۳۵۹ ب)، *چراغی بر فراز راه*، ترجمه حسن اکبری مرزناک، قم: نشر ۲۲ بهمن.
- _____ (۱۳۶۰)، *مقابله اسلام و سرمایه داری و تفسیر آیات ربا*، ترجمه و اقتباس سید محمد رادمش، چاپ چهارم، تهران: بنیاد علوم اسلامی.
- _____ (۱۳۶۵)، *فاجعه تمدن و رسالت اسلام*، ترجمه علی حجتی کرمانی، چاپ ششم، تهران: نشر فردوس.
- _____ (۱۳۷۲)، *ما چه می‌گوییم*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، چاپ بیست و دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ سید و دیگران (۱۳۵۹)، *فلسفه جهاد در اسلام*، ترجمه سید محمود خضری، تهران: انتشارات اسلامی.
- _____ قوچانی، محمد (۱۳۸۱)، *جمهوری مقدس، برش‌هایی از تاریخ جمهوری اسلامی*، تهران: نشر ونگار.
- _____ کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۴۷)، *این است آئین ما*، ترجمه و شرح آیت الله مکارم شیرازی، قم: بی‌نا.
- _____ کریمی‌زاده، کرامت‌الله (۱۳۸۸)، *تأثیر اخوان‌المسلمین بر فدائیان اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه مفید.
- _____ کوپل، ژیل (۱۳۶۶)، *پیامبر و فرعون: جنبش‌های نوین اسلامی در مصر*، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر کیهان.
- _____ گلرو، عباس (۱۳۸۵)، *تأثیر انقلاب اسلامی بر روابط ایران و مصر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران.
- _____ مرادی، مجید (۱۳۸۲)، «تقریر گفتمان سیدقطب» نشریه علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۲۱.
- _____ «مراسم بزرگداشت شهدای گروه ابوذر برگزار شد» (۱۳۸۵)، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۸۵۰، ۸۵/۱۱/۲۸.
- _____ مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۱)، *یاران امام به روایت اسناد ساواک: آیت الله سید محمود طالقانی*، جلد اول، تهران: نشر وزارت اطلاعات.
- _____ مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۶)، *گروه ابوذر نهانند به روایت اسناد و مدارک*، تهران: وزارت اطلاعات.
- _____ مسجد جامعی، محمد (۱۳۶۹)، *زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن*، تهران: الهدی.
- _____ مطهری، مرتضی (بی‌تا)، *ده گفتار*، تهران: چاپخانه رودکی.
- _____ (۱۳۷۵)، *نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر*، چاپ بیست و یکم، تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۰)، *مجموعه آثار*، جلد هشتم، چاپ چهارم، تهران: صدرا.
- _____ موصللی، احمد (۱۳۸۸)، *مبانی نظری بنیادگرایی*، ترجمه علیرضا نظری و محمدرضا آرام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- _____ میثمی، لطف‌الله (۱۳۸۰)، *از نهضت آزادی تا مجاهدین: خاطرات لطف الله میثمی*، جلد اول، چاپ دوم، تهران: صمدیه.
- _____ میرابوالقاسمی، محمدحسین (۱۳۸۲)، *طالقانی، فریادی در سکوت: سیری کوتاه در زندگی و اندیشه‌های بلند آیت الله طالقانی*، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- نجمی، احمد (بازیابی شده ۱۳۹۱/۱/۲)، «سیدقطب، طلایه‌دار بیداری اسلامی»، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (قابل دسترسی در:

<http://www.irdc.ir/fa/content/5190/default.aspx>).

- واعظ زاده خراسانی، محمد (۱۳۷۹)، *زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی*، تهران: نشر دارالتقرب.
- همتی، محمدعلی (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر اندیشه‌های سیدقطب بر نگرش روحانیون انقلابی ایران نسبت به غرب در دوران قبل از انقلاب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- Bouzid, Ahmed (1998), *Man, Society, and Knowledge in The Islamist Discourse of Sayyid Qutb*, Doctor of Philosophy Thesis, Virginia: Unpublished.